



## چرا اصول قانونی مربوط به قومیت ها اجرا نمی شوند؟

صفحه ۲

هر انسانی به طور طبیعی زبان مادری اش را دوست دارد و آن را - درست یا نادرست - مادر زبان ها به شمار می آورد. اما هنگامی که می کوشند زبان مادری را با تیغ منع و سرکوب ذبح کنند و آن را در پیشگاه زبانی مسلط قربانی نمایند، این دوستی به عشق تبدیل می شود. حکایت زبان های ایرانیان غیرفارس حکایت دردناکی است که پس از هشت دهه، هنوز این حکایت باقی است. وقتی نمایندگان ملیت ها و ایالت ها در انقلاب مشروطیت ماده انجمن های ایالتی و ولایتی را وارد قانون اساسی کردند هیچگاه تصور نمی کردند این ماده روی اجرا به خود نبیند. همین امر در باره اصل ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز صدق می کند. راستی چرا این قوانین که طی سده گذشته به تصویب نمایندگان مردمان ایران رسیده اند همانند جوهری بی ارزش روی کاغذ مانده اند تا ما - تورکها، عرب ها، کردها، تورکمن ها و بلوچها - همچنان از کمترین حقوق انسانی خود محروم باشیم و نتوانیم به زبان مادریمان آموزش ببینیم؟



**امینی تحت نظر در بیمارستان؛ تیموری در بازداشت**

صفحه ۸

**توقیف یک نشریه دانشجویی و تعطیلی یک کانون فرهنگی در دانشگاه ارومیه**

صفحه ۶

**معدن مسی - مولیبدن سولگون**

صفحه ۴



## چرا اصول قانونی مربوط به قومیت‌ها اجرایی می‌شوند؟

هر انسانی به طور طبیعی زبان مادری‌اش را دوست دارد و آن را - درست یا نادرست - مادر زبان‌ها به شمار می‌آورد. اما هنگامی که می‌کوشند زبان مادری را با تیغ منع و سرکوب ذبح کنند و آن را در پیشگاه زبانی مسلط قربانی نمایند، این دوستی به عشق تبدیل می‌شود. حکایت زبان‌های ایرانیان غیرفارس حکایت دردناکی است که پس از هشت دهه، هنوز این حکایت باقی است. وقتی نمایندگان ملیت‌ها و ایالت‌ها در انقلاب مشروطیت ماده انجمن‌های ایالتی و ولایتی را وارد قانون اساسی کردند هیچگاه تصور نمی‌کردند این ماده روی اجرا به خود نبیند. همین امر در باره اصل ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز صدق می‌کند. راستی چرا این قوانین که طی سده گذشته به تصویب نمایندگان مردمان ایران رسیده‌اند همانند جوهری بی ارزش روی کاغذ مانده‌اند تا ما - تورک‌ها، عرب‌ها، کردها، تورکمن‌ها و بلوچ‌ها - همچنان از کمترین حقوق انسانی خود محروم باشیم و نتوانیم به زبان مادریمان آموزش ببینیم؟ بر نویسندگان و پژوهشگران ماست که علت این مسأله را بشکافند و ببینند چرا وقتی نوبت به اصولی می‌رسد که سودی برای اکثریت جامعه ایران دارد، مورد بی‌اعتنایی و بی‌مهری سردمداران و تصمیم‌گیرندگان سیاسی و فرهنگی این دیار قرار می‌گیرد؟ من البته به نوبه خودم پاسخی برای این پرسش دارم. من می‌گویم علت این وضع فاجعه‌بار دو چیز است: نخست تصلب اقلیت قومی تمامیت‌خواهی که قدرت و ثروت را در اختیار دارد و از امتیازهای زبانی و فرهنگی و اقتصادی آن بهره می‌برد و دوم ناآگاهی بخشی از نخبگان و روشنفکران و توده‌های ملل و اقوام از حقوق انسانی و ملی خود. می‌گویم فاجعه بار، زیرا که ملل و اقوام غیرفارس از بحران هویت ملی رنج می‌برند که بخش عمده‌اش ناشی از محرومیت از آموزش به زبان مادری است. این محرومیت از اوایل عمر انسان یعنی از سن ۶-۷ سالگی آغاز و باعث عقب ماندگی زبانی می‌شود. بی‌گمان عقب‌ماندگی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پیامد بلافصل عقب‌ماندگی زبانی است. نخبگان و روشنفکران ملل و اقوام ایرانی طی سال‌های حاکمیت اصلاح‌طلبان که شعار ایران برای ایرانیان و اجرای قانون اساسی را می‌دادند، بارها برای اجرای اصل پانزدهم و تدریس زبان‌های غیر فارسی در مدارس، با نهادهای مدنی و دولتی دیدار داشته و از رایزنی و آرایه راه حل کوتاهی نکرده‌اند. البته بگویم که این سال‌ها برای قومیت‌ها بدون دستاورد نبوده است. در دوره هشت ساله حکومت آقای خاتمی، علاوه بر گفتگوها و سخنرانی‌های مختلف در دانشگاه‌ها و گردهمایی‌های فرهنگی و سیاسی، بارها نیز به دعوت سازمان‌های دولتی درسمینارهای آنها شرکت کرده‌اند تا شاید دستگاه عریض و طویل بورکراسی دولتی

اصول اجرانشده قانون اساسی را - که عمدتاً مربوط به قومیت‌هاست - اجرا کند. در این نشست‌ها و گردهمایی‌ها که در وزارت کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وابسته به ریاست جمهوری و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و دیگر جاها برگزار شد علاوه بر نگارنده این سطور، شخصیت‌های فرهیخته‌ای از هموطنان تورک و کرد و عرب و بلوچ و تورکمن شرکت داشتند که نام آقایان پرفسور هیئت، مهندس صراف، مهندس راشدی، اکبر آزاد، دکتر ابراهیم یونسی، دکتر صالح نیکبخت، دکتر اردلان، بهرام ولد بیگی، عبدالرحمان دیه‌جی، دولتی بخشان و دیگران شرکت داشتند، اما متأسفانه همه این کوشش‌ها برای اجرای اصل ۱۵ به نتیجه نرسید. همین تجربه هشت ساله جنبش فرهنگی و سیاسی ملیت‌ها به من ثابت کرد که دو عامل یاد شده مانع اصلی عدم دستیابی به کمترین حقوق قومی مصرح در قانون اساسی است. از عامل نخست و اصلی یعنی عامل تصلب آغاز می‌کنم که زاده اصرار بنیاد گرایان ملی‌گراست که واقعیت وجودی دیگر زبان‌ها و قومیت‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند. آنان می‌کوشند با زور و ترفند خود را اکثریت قلمداد کنند و در این راه از همه قدرت‌های سیاسی و اقتصادی خویش بهره می‌گیرند. بنیادگرایی ملی‌گرا، بلایی است که طی این هشت دهه، وجود قومیت‌ها و بلکه وحدت ملی کشور ما را تهدید کرده. به نظر من خطر بنیادگرایان ملی‌گرا از خطر بنیاد گرایان اسلام‌گرا کمتر نیست. اینان گرچه ظاهراً از قدرت به دورند اما در واقع در اغلب ارکان بورکراسی دولت و در اغلب رسانه‌های گروهی نفوذ کرده‌اند. اینان خطر بالقوه کنونی و خطر بالفعل آینده ایران و منطقه هستند. پرونده خونین ضدبشری ملی‌گرایان افراطی آلمان و ایتالیا در شصت سال پیش و همگنان صربشان در دهه گذشته هنوز پیش روی ماست. اروپا وقتی روی آرامش به خود دید و اتحاد را تجربه کرد که از اندیشه‌های فاشیستی و آریاگرایی هیتلری فاصله گرفت و به اندیشه‌های معتدل ناسیونالیستی روی آورد و حقوق دیگری یعنی ملل و ادیان مختلف را به رسمیت شناخت. اکنون نیز سردمداران این گرایش سیاسی حتی اصل اجرا نشده ۱۵ قانون اساسی را تخطئه می‌کنند و سخن از پلورالیسم قومی را کفر و با کاربرد اصطلاح «اقوام ایرانی» مخالفت می‌ورزند. حتی فردی از آنان که سال‌هایی را در زندان به سر برده است در بیانیه‌های خود کمترین اشاره‌ای به حقوق اقوام و ملل ایرانی نمی‌کند. اما عامل دوم یعنی ناآگاهی از حقوق ملی در میان بخشی از نخبگان و روشنفکران قومیت‌ها یک واقعیت اسفبار است. مثالی در این زمینه می‌زنم. وقتی در دوره ششم مجلس شورای اسلامی طرح مربوط به اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی به جلسه علنی مجلس آورده شد، همه نمایندگان کرد و یکی از نمایندگان عرب اهوازی به آن رای مثبت دادند و تقریباً اغلب نمایندگان دیگر قومیت‌ها به آن رای منفی دادند. گرچه در این میان

در حالیکه دانش آموزان هویت طلب آذربایجانی مجبور به ترک تحصیل می شوند

## در روز ۴ اردیبهشت ماه تمام مدارس ارامنه تهران تعطیل بوده است

همزمان با نمایش دولتی ۲۴ آوریل برابر با چهار اردیبهشت ماه، تمام ۳۵ مدرسه ارامنه تهران و اصفهان در همه سطوح آموزشی تعطیل بوده و دانش آموزان آنها همراه با اتوبوسهای ویژه ای به تظاهرات فرستاده شده اند. این در حالی است که دانش آموزان تورک هویت طلب آذربایجانی مجبور به ترک تحصیل می شوند. دانش آموزان ارمنی لباسهای متحدالشکل دانشکها را بر تن کرده برچم ارمنستان را در دست داشتند و خواهان تشکیل ارمنستان بزرگ بودند. اما در مقایسه با دانش آموزان ارمنی، برخورد دولت، با دانش آموزان هویت طلب آذربایجانی بسیار متفاوت است. به عنوان مثال محمدرضا عوض پور در تاریخ ۸۵/۱/۱۷ به هنگام نوشتن جمله کاملاً طبیعی «من تورکم» بر یکی از دیوارهای شهر تبریز دستگیر شد و بلافاصله مامورین در ساعت ۱۲/۳۰ شب به خانه نامبرده هجوم برده آقای مصطفی عوض پور از فعالین حرکت ملی آذربایجان را به همراه دیگر برادرش مرتضی دستگیر کردند. آنان تمامی جزوات و کتابها و سی دی ها و کامپیوتر مصطفی عوض پور را با خود بردند و هر سه برادر را مورد شکنجه قرار دادند. خاطر نشان می شود محمدرضا در تاریخ ۸۵/۱/۲۹ بعد از ۱۲ روز با وثیقه ۴ میلیونی آزاد گشت اما به رغم گذشت ۱۷ روز هیچ اطلاعی از مصطفی عوض پور در دست نیست و مادر ایشان که از عارضه قلبی رنج می برد، در بستر بیماری افتاده است. اما اکنون مدیر مدرسه ای که محمدرضا در آن درس می خواند مدعی است که این کودک ۱۴ ساله، ترک تحصیل کرده و نمی تواند دومرتبه به مدرسه برگردد. به نظر می رسد این تصمیم با فشار نیروهای امنیتی صورت گرفته و آنان نمی خواهند محمد رضا با دیگر دانش آموزان در تماس باشد. لذا محمدرضا تحت فشار است که قید درس و مدرسه را بزند. بی تردید اعتراض به این رفتار غیرمنصفانه، وظیفه همه طرفداران و مدافعان حقوق بشر و فعالان تساوی حقوق اقوام و ملل خواهد بود.

### فشار اداره اماکن مرند بر مغازه داران مبنی به تغییر نام تورکی مغازه شان

مامورین اداره اماکن شهر مرند از یک هفته پیش به مغازه ها و بهویژه به کافی نت های که با نام تورکی اسم گذاری شده اند مراجعه می کنند و ضمن تهدید آنان هشدار داده اند که باید نام مغازه شان را تغییر دهند. آنان در یک مورد به کافی نت داری به طور واضح اظهار کرده اند که نام مغازه هر نامی می تواند باشد الا تورکی!!!

برخی از نمایندگان حزب مشارکت به این لایحه رای مثبت دادند. البته رای منفی نمایندگان آذربایجان فقط نشانگر بی تحرکی آن نمایندگان بود و گرنه جنبش فرهنگی مردم آذربایجان در خارج از مجلس فعال تر و بانشاط تر از درون آن بوده است. حقوق زبانی و فرهنگی تنها بخشی از حقوق اقوام و ملل ایرانی است و البته حقوق نسبتاً مهمی است که باید برای دستیابی به آن بکوشیم. شعار تدریس زبان های تورکی آذربایجانی، کردی، عربی، تورکمنی و بلوچی در مدارس ابتدایی باید شعار ما در این برهه زمانی باشد. دوستان اهمیت این موضوع را نادیده نگیرند، زیرا تطبیق درست و همه جانبه اصل ۱۵ اهمیت به سزایی در بازیابی هویت ملی قومیت هایی غیرفارس دارد. هر روز که از توقف این اصل می گذرد زبان های فراوانی به زبان و ادبیات ملل و اقوام ایرانی وارد می شود؛ لذا بی جهت نیست که ناسیونالیست های افراطی از حربه مرور زمان برای تضعیف هویت ملی خلق های غیرفارس استفاده می کنند. در همه کشورهای جهان وظیفه آموزش دوران ابتدایی و دبیرستان به عهده وزارت آموزش و پرورش است که متأسفانه در کشور ما طی ۲۶ سال گذشته وزارتخانه مپیوطه به بهانه های مختلف از این کار طفره رفته است. این قرن، قرن اقلیتها و قومیت های ستمدیده و قرن دموکراسی و حقوق بشر است. این قرن البته قرن سقوط اقلیت هایی نیز هست که دیرزمانی به نام اکثریت برگرده دیگر اقلیتها سوار بودند. به نظر می رسد که تدوین دیدگاهی روشن و فراگیر از هویت مبنی جامعه ایران، فراتر از ساختار دو رکنی کنونی اش - که مبتنی بر زبان و مذهب رسمی است - می تواند زمینه را برای حل دشواری های ملیت ها آماده سازد و بی گمان محرومیت از آموزش به زبان مادری در سرلوحه این دشواری ها قرار دارد.

### از فیلم برداری، فیلم داستانی امیر تیمور جلو گیری شد

سناریوی فیلم داستانی امیر تیمور که بر اساس زندگی امیر تیمور نوشته شده است به کارگردانی «ولی لطف دخت» ساخته می شد. این فیلم قرار بود در منطقه یکانات و کوه قالا داغی فیلمبرداری شود. روز ۳۱ فروردین کاروان فیلمبرداری که تعدادشان ۱۷ نفر بود در سه راهی خوی توسط نیروهای امنیتی متوقف و علی رغم ارائه مجوزهای لازم بعد از چندین ساعت بازداشت و بازجویی به جز کارگردان و ائلیاز یئکنلی (روزنامه نگار و مسئول صفحات تورکی هفته نامه صدای ارومیه) همگی آزاد شدند. بر اساس آخرین خبرها لطف دخت بعد از دو روز بازداشت آزاد گردیده ولی ائلیاز یئکنلی توسط نیروهای امنیتی به بازداشتگاه تبریز منتقل شده است. لازم به ذکر است که تابستان سال گذشته در ارومیه نمایشنامه «فرهاد و شیرین» به کارگردانی لطف دخت بعد از چندین ماه کار بر روی آن اجازه نمایش نیافت.

# معدن مس - مولیبدن سونگون

علی محمدی

غنی شده در دیواره شرقی معدن بوده که به سمت غرب از غنی و ضخامت آن کاسته می شود.

در کانسار مس سونگون منطقه بندی قائم ویژه ذخایر پورفیری مس به صورت ۳ زون فروشست (Leached) به ضخامت ۸۰ تا حداکثر ۱۵۰ متر، سوپرزن به ضخامت متغییر ۰ تا ۲۰۰ متر و زون هیپوزن به ضخامت متوسط ۱۰۰ متر می باشد.

کانسار سونگون در واقع یک کانسار اسکارنو- پورفیر و متشکل از یک کانسار کوچک اسکارنی مس، سرب، روی و آهن و کانسار بزرگ مس- مولیبدن پورفیری است. کانیهای اقتصادی اصلی در کانسار پورفیری شامل کانیهای اولیه کالکوپیریت، مولیبدنیت و کانیهای ثانویه کالکوسیت، کوولین و مس خالص است. عناصر مفید آن  $Cu, Mb, Au, Ag$  عناصر مزاحم  $Se, As, Bi$  و

روش استخراج در این معدن به صورت روباز است. کانی سازی اصلی کانسار شامل کانی های مس و مولیبدن است. مهمترین کانی های این معدن عبارتند از: پیریت، کالکوپیریت، مولیبدنیت، مس خالص، روتیل، اپلمنیت، کوپریت، کالکوسیت، کوولین، ایدائیت، بورنیت، آرسنوپیریت، تنانتیت و تتراندیریت است. کانی سازی در این معدن به دو صورت افشان و رگه ای دیده می شود.

ذخیره قطعی کانسار سونگون به روش مقاطع قائم محاسبه شده که در حدود ۶۶۵ میلیون تن ماده معدنی برای زون هیپوزن و ۱۰۸ میلیون تن برای زون سوپرزن بوده است. ذخیره اکسیده مس نیز با استفاده از روش پلی گون معادل ۶/۷ میلیون تن با متوسط مس اکسیده ۰/۷۳۷ درصد و متوسط سولفور ۱/۱۵۲ درصد محاسبه شده است.

در کل ذخیره احتمالی حدود ۴۷۰ میلیون تن و ذخیره ممکن حدود ۶۰۰ میلیون تن برای کانسار است که در مجموع کل ذخایر قطعی، احتمالی و ممکن در محدوده کانسار سونگون حدود ۱/۷ میلیارد تن سنگ مس با عیار ۶۳ گرم بر تن است و بدین صورت معدن مس سونگون دارای ذخیره احتمالی و قطعی بالایی نسبت به معدن سرچشمه کرمان است. با توجه به قرار گرفتن آذربایجان بر روی زون متالوژی آلپ - همالیا کانسارهای دیگری از مس همچون معدن مس مزرعه اهر، معدن مس انجرد اهر، معدن مس سرخه مرنند، و نیز اندیسها و معادن مس هشت چین، رشیدآباد، اوزون دره، سنجد و بولاغ در خلخال- معدن مس موئیل در سراب - معدن قلی دره در مشکین شهر- معادن آق دره، قره داش و بایچه باغ در تخت سلیمان- معادن اینالو و گوزل بلاغ در صائین قالا - معدن اقبالیه در سلماس - معدن دیلک وردی و زورآباد در چالدران - معدن قزل داش در خوی - معادن آق دره و پاسار در رودبار- معادن خلیفه لو، الوند، حلال

کاربرد مس: عنصر مس با کاربرد گسترده در صنایع الکتریکی، شیمیایی اغلب به صورت ترکیب با سایر عناصر یافت می شود. ۵۰ کاربرد فلز مس در صنایع الکتریکی و ارتباطات و ۲۵ آن در صنایع ماشین سازی می باشد. این فلز به عنوان یک ماده اولیه و استراتژیک به صورت خالص با یک عنصر آلیاژی و همراه با روی در برنج در صنایع مختلف ساختمان سازی ( ۳۹ درصد)، صنایع الکتریکی و الکترونیکی ( ۲۸ درصد )، تجهیزات حمل و نقل ( ۱۱ درصد ) و در محصولات عمومی و مصرفی (به میزان ۱۱ درصد) به کار می رود. امروزه تقریباً در کلیه زمینه های صنعتی، کشاورزی، ساختمانی، داروئی، دفاعی، الکترونیکی، بهداشتی و ... مواد معدنی و کانیهای اقتصادی بعنوان مواد اولیه و یا مواد خام نقش بسیار مهمی را ایفا مینمایند و در مجموع یکی از ارکان اصلی در اقتصاد هر کشور محسوب می شوند.

معدن مس - مولیبدن سونگون

کانسار مس - مولیبدن پورفیری سونگون، واقع در آذربایجان در سوی شمال غرب کمر بند ولکانو- پلوتونیک سهند- بزمان یا کمر بند مس پورفیری کشور قرار دارد. فاصله این کانسار از تبریز ۱۹۵ کیلومتر از اهر ۷۵ کیلومتر و از ورزقان ۲۵ کیلومتر بوده و در مجاورت روستای سونگون واقع است.

مختصات این کانسار ۴۶ درجه و ۴۳ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۴۳ دقیقه عرض شمالی می باشد. توده معدنی کانه دار سونگون به شکل یک بیضی با کشیدگی در جهت غرب به شرق و با مساحتی برابر ۳/۲ کیلومتر مربع در شمال روستای سونگون قرار دارد قطر بزرگ این بیضی ۲/۲ و قطر کوچک آن ۱/۱ کیلومتر می باشد. سطح توده کانسار در شبکه اکتشاف تفصیلی یک کیلومتر مربع (۹۸ هکتار) است که بیش از ۶۰ درصد سطح این معدن دارای پوشش جنگلی می باشد. بلند ترین و پست ترین نقاط در روی کانسار، به ترتیب ۲۴۵۰ متر (داش دیبی) و ۱۷۰۰ متر (بستر سونگون چای) با اختلاف ۷۵۰ متر است.

نخستین بررسی فنی- اقتصادی این کانسار در سال ۱۳۷۱ تحت عنوان پروژه امکان سنجی مقدماتی کانسار سونگون توسط شرکت کانادایی (SNC) در قالب دو جلد گزارش تنظیم شد. دومین بررسی فنی اقتصادی کانسار مزبور در سال ۱۳۷۳ توسط شرکت مهندسی مشاور ایتوک در قالب ۳ جلد گزارش ارائه شد.

برای اکتشافات تفصیلی در این معدن در کل ۵۵۰۰۰ متر تا دی ماه ۱۳۷۴ حفاری مغزه گیری در قالب ۱۳۷ گمانه اکتشافی و حدود ۲۲۰۰ متر حفاری تونل شامل ۶ دهانه تونل صورت گرفته است. حفر گمانه ها در شبکه ۱۰۰\*۱۰۰ متر صورت گرفته است. تمرکز اصلی زون